

## ارادت قلبی شهریار به مولا علی (ع)

دکتر صدیقه نصیر اوغلی خیابانی\*

### چکیده:

اعتقادات اسلامی در اشعار استاد سید محمد حسین بهجت تبریزی (شهریار) موج می‌زند و چه قبل از انقلاب اسلامی و چه بعد از آن اشعاری توسط این شاعر بزرگ معاصر سروده شده که برخی از ابیات آن ترجمان آیه‌ای از کلام الله مجید، حدیثی از پیامبر اکرم (ص) یا ائمه معصومین (ع) و یا روایتی از آن بزرگواران است که این نشانگر پشتوانه علمی شهریار در مطالعات اسلامی می‌باشد. ضمناً عشق شهریار به پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) در اشعار او متجلی است و در این میان، مولای متقیان علی (ع) را جلوه‌ای دیگر است. در این مقاله به این جلوه درخشان و تبلور ارادت خاص به شیر خدا در اشعار استاد شهریار پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: شهریار - اعتقادات اسلامی - پیامبر اکرم (ص) - علی (ع).

### مقدمه:

اعتقادات اسلامی از دیرباز چنان در تار و پود ملت ایران تنیده است که تقریباً همه شعرای ایران زمین تحت تأثیر این اعتقادات قرار داشته و آن را به نحوی مستقیم یا غیر مستقیم، و کم یا زیاد در اشعار خود متجلی ساخته‌اند. استاد شهریار نیز در اشعاری که چه پیش از انقلاب اسلامی و چه پس از انقلاب اسلامی سروده این اعتقادات را در بسیاری از اشعارش چنان جاری و ساری ساخته و عشق و علاقه و شیفتگی خود به پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) را آن چنان زیبا و هنرمندانه به رشته نظم درآورده، که بعضاً مایه شگفتی است.

این دل‌بستگی چنان با دل و جان شهریار درآمیخته که از بسیاری از اشعار او عطر دلاویز آن متصاعد شده و مشام جان را می‌نوازد و هنگامی که سخن از مولای متقیان امیر مؤمنان علی (ع) است این دل‌بستگی به عشقی تبدیل می‌شود که در سراسر وجود

شهریار شعله می‌کشد. این پژوهش به تبلور این عشق و ارادت خاص به شیر خدا در اشعار استاد شهریار می‌پردازد.

## مناجات (همای رحمت)

نخستین شعری که مورد بررسی قرار می‌گیرد معروف‌ترین شعر استاد شهریار درباره سرور پرهیزکاران با نام «مناجات» است که به «همای رحمت» معروف است. استاد شعر را با این بیت شروع می‌کند:

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را که به ماسوا فکندی همه سایه‌ها را

«هما» پرنده‌ای افسانه‌ای است. در تاریخ ادبیات فارسی او را مظهر فرّ و شکوه دانند و به فال نیک گیرند. (دهخدا، ۱۵ / ۲۳۵۱۸). معمولاً تشبیه «همای سعادت» در ادبیات ایران به کرات به کار رفته است. استاد، مولای متقیان را به همای رحمت تشبیه می‌کند و با استفاده از قدرت سحرآمیز کلام، امام را آیه و حجت خدا می‌نامد، که اشاره‌ای است به فرمایش پیامبر (ص) که می‌فرمایند: اِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ خَلِيفَةُ اللَّهِ وَ خَلِيفَتِي وَ حُجَّةُ اللَّهِ وَ حُجَّتِي وَ بَابُ اللَّهِ وَ بَابِي وَ..... (شیخ صدوق، ۲۰۳) و در حدیثی دیگر از زبان خداوند می‌فرمایند:..... إِنَّهُ إِمَامٌ أُمَّتِكَ وَ حُجَّتِي عَلَيْهَا بَعْدَكَ (همان، ۵۴۷).

در مصرع دوم همان بیت، شهریار، امام را همایی می‌داند که به تمام ماسوی الله سایه افکنده است که این نیز اشاره است به حدیث «عن ابی جعفر الباقر (ع) عن ابی برزه عن النبی (ص) قال:..... إِنَّ عَلِيًّا رَايَةُ الْهُدَى وَ إِمَامُ أَوْلِيَائِي وَ نُورٌ مِّنْ أَطَاعِنِي وَ هُوَ الْكَلِمَةُ الَّتِي أَلَزَمْتُهَا الْمُتَّقِينَ، مَن أَحَبَّهُ أَحْبَبَنِي وَ مَن أَطَاعَهُ أَطَاعَنِي. (همان، ۴۷۸).

ترجمه: به راستی که علی پرچم هدایت و پیشوای دوستان من است؛ او نور است برای کسی که از من اطاعت کند؛ اوست کلمه‌ای که پرهیزکاران به آن ملتزم شوند؛ هر

کس او را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس او را اطاعت کند از من اطاعت کرده است.

و در بیت دوم، استاد شهریار، علی بن ابی طالب (ع) را آیینۀ جلال و جمال الهی می‌خواند که خدا را می‌توان در رخ او دید و با او شناخت:

دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین به علی شناختم من، به خدا قسم خدا را این بیت برآمده از این سخن پیامبر اکرم (ص) می‌باشد که فرمود: یا علی: أَنَا وَ أُنْتِ وَ الْأَنْمَةُ مِّنْ وَ لَدَيْكَ سَادَةٌ فِي الدُّنْيَا وَ مُلُوكٌ فِي الْآخِرَةِ، مَنْ عَرَفَنَا فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ، وَ مَنْ أَنْكَرَنَا فَقَدْ أَنْكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ (همان، ۴۵۷).

همچنین پیامبر (ص) فرمود: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَىٰ أَدَمَ فِي عِلْمِهِ، وَ إِلَىٰ نُوحٍ فِي فَهْمِهِ وَ إِلَىٰ يَحْيَىٰ بْنِ زَكْرِيَّا فِي زُهْدِهِ وَ إِلَىٰ مُوسَىٰ بْنِ عِمْرَانَ فِي بَطْشِهِ فَلْيَنْظُرْ إِلَىٰ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (مجلسی، ۳۹/۳۹).

ترجمه: هر کس می‌خواهد به علم حضرت آدم و درک حضرت نوح و زهد حضرت یحیی بن زکریا و دلیری و سطوت حضرت موسی (ع) بنگرد به علی بن ابی طالب نظر کند.

علی معیار و میزان گرانسنگ حق است، چنانچه پیامبر (ص) فرمود: عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ، يَدُورُ حَيْثُمَا دَارَ (همان، ۳۸ / ۵۷). علی با حق است و حق با علی است و این دو (علی و حق) در هر طرف باشند با هم اند.

در دو بیت بعدی، شهریار امام را اکسیری می‌نامد که با او هیچ چیز فانی نیست و ابر رحمتی می‌نامد که بارش او پیروانش را از آتش دوزخ نجات می‌دهد.

عن الصادق جعفر بن محمد عن ابیه، عن ابائه عن علی (ع) قال: قال رسولُ الله (ص): إِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُؤْتَىٰ بِكَ يَا عَلِيُّ عَلِيٌّ عَجَلٌ مِّنْ نُورٍ وَ عَلِيٌّ رَأْسِيكَ تَاجٌ لَهُ أَرْبَعَةُ أَرْكَانٍ عَلِيٌّ كُلُّ رُكْنٍ ثَلَاثَةٌ أَسْطُرٌ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ وَلِيُّ اللَّهِ وَ تُعْطَىٰ مَفَاتِيحُ الْجَنَّةِ ثُمَّ يُوضَعُ لَكَ كُرْسِيٌّ يُعْرَفُ بِكُرْسِيِّ الْكِرَامَةِ فَتَقَعُ عَلَيْهِ ثُمَّ يَجْمَعُ بِكَ

الْآخِرُونَ وَالْآخِرُونَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ فَتَأْمُرُ بِشِيعَتِكَ إِلَى الْجَنَّةِ وَبِأَعْدَائِكَ إِلَى النَّارِ، فَأَنْتَ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَ أَنْتَ قَسِيمُ النَّارِ، وَ لَقَدْ فَازَ مَنْ تَوَلَّاكَ وَ خَسِرَ مَنْ عَادَاكَ، فَأَنْتَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ أَمِينُ اللَّهِ وَ حُجَّةُ اللَّهِ الْوَاضِحَةُ (شیخ صدوق، ۶۷۰).

**ترجمه:** ای علی! چون روز قیامت شود، تو را سوار بر مرکبی از نور می‌آورند؛ بر سرت تاجی است که چهار رکن دارد و بر هر رکنی، سه سطر نوشته شده است: لاله آلا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله؛ کلیدهای بهشت را به تو بدهند و بر تخت کرامت بنشانند؛ آن گاه تمام پیشینیان و پسینیان، بر یک پهنای گرد تو جمع شوند و تو دستور می‌دهی که شیعیان را به بهشت و دشمنان را به دوزخ ببرند؛ چرا که تو قسمت کننده بهشت و دوزخ هستی؛ رستگار شد آن که ولایت تو را پذیرفت و زیان کرد آن که دشمن تو شد. ای علی! تو در آن روز، امین خدا و حجت آشکار الهی هستی.

شهریار در ادامه می‌سراید:

به خدا که در دو عالم، اثر از فنا نماند      چو علی گرفته باشد، سر چشمه بقا را  
مگر ای سحاب رحمت تو بباری ار نه دوزخ      به شرار قهر بسوزد همه حال ما سوا را

این دو بیت نیز اشاره ای است به دستگیری علی (ع) در این جهان و شفاعت او در آن جهان، که ریشه در آیات و احادیث دارد.

ابابصیر گوید: امام صادق (ع) می‌فرماید: آن گاه که قیامت برپا شود خداوند همه مردم را در یک جا گرد آورد، تاریکی شدیدی همه را فرا گیرد و به پروردگار خود ناله کنند: پروردگارا! این تاریکی را از ما برطرف فرما. در این هنگام عده ای وارد شوند که با نور خود صحرای قیامت را روشن می‌کنند. حاضران گویند اینان پیامبران خدا، یا فرشتگان و یا شهیدان هستند؟ از جانب حق ندا می‌رسد که خیر؛ و آنان خود پاسخ می‌دهند که ما علویون و ذریه محمد (ص) پیامبر خدا و فرزندان علی ولی خدا هستیم

؛ از جانب خداوند به آنان ندا می‌رسد که دوستان و شیعیان خود را شفاعت کنید پس آنها شفاعت می‌کنند و شفاعت آنها پذیرفته می‌شود. (همان، ۲۸۴).

استاد شهریار وصف سخاوت حضرت علی (ع) را درباره بخشیدن انگشتی خود در حال رکوع به فقیری چنین به زبان شعر درآورده است:

برو ای گدای مسکین در خانه علی زن      که نگین پادشاهی دهد از کرم، گدا را

کلام خداوند متعال در قرآن مجید در مورد این کرامت علی (ع) چنین است:  
«أَنْمَا وَرِيكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (مائده، ۵۵). به اتفاق نظر مفسرین عامه و خاصه مراد از این آیه، حضرت علی (ع) می‌باشد.

برای مثال مرحوم طبرسی از ابن عباس نقل می‌کند: ابوذر گفت یکی از روزها در معیت رسول خدا (ص) نماز ظهر می‌گزاردیم، مرد تهیدست و بینوایی در مسجد از مردم درخواست کمک می‌کرد، کسی چیزی به او نداد. این مرد بینوا دستها را رو به آسمان برگرفت و گفت: خدایا تو گواه باش که من در مسجد رسول الله (ص) از مردم درخواست کمک مالی نمودم، لکن کسی چیزی به من نپرداخت. علی (ع) هم زمان با این جریان در حال رکوع نماز به سر می‌برد، انگشت دست راست خود را به طرف این سائل نشانه رفت و به او اشاره کرد انگشتی را از انگشت او بیرون کشد، سائل انگشتی را از دست آن حضرت بیرون کشید، و رسول خدا (ص) نیز شاهد این صحنه بود.

آنگاه پیامبر بعد از اتمام نماز سر به آسمان برداشت و با یادآوری درخواست حضرت موسی و اجابت خداوند در انتخاب وزیر هارون، به درگاه خداوندی چنین عرضه داشت:

«اللَّهُمَّ، فَأَنَا مُحَمَّدٌ نَبِيُّكَ وَ صَفِيكَ، اللَّهُمَّ فَاشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي وَ اجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِنْ أَهْلِ عَالِيَاءِ، أَشَدُّ بِهِ أَرْزَى» (طبرسی، ۳ / ۲۶۲ - ۲۶۳).

ترجمه: بار خدایا! من محمد پیامبر تو و برگزیده تو هستم. بار خدایا! پس به من شج صدر مرحمت فرما..... و برای من وزیری از خاندان من، علی، قرار ده.....

ابوذر گفت: سوگند به خدا هنوز سخن آن حضرت به پایان نرسیده بود که جبرئیل از سوی خداوند بر وی فرود آمد و گفت: ای محمد! بخوان و این آیه نازل شد.

البته احادیث و روایات بسیاری در این خصوص در منابع اسلامی وجود دارد که همگی الهام بخش استاد شهریار در این بیت زیبا بوده‌اند (طبری، ۶/۲۲۴؛ فخر رازی، ۳۵/۱۹۹).

استاد در بیت بعد به سفارش حضرت علی (ع) به امام حسن مجتبی (ع) در مورد ابن ملجم مرادی، ضاربی که به ضربه شمشیر زهرآلودش حضرت را در محراب کوفه به شهادت رسانید اشاره دارد:

به جز از علی که گوید به پسر که قاتل من  
چو اسیر توست اکنون، به اسیر کن مدارا

این بیت برگرفته از فرمایش علی بن ابی طالب (ع)، مجسمه عدالت، به امام حسن در مورد ابن ملجم می‌باشد که فرمودند: **أَلَا لَا تَقْتُلَنَّ بِي إِلَّا قَاتِلِي... فَأَضْرِبُوهُ ضَرْبَةً بَضْرِبَةٍ** (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

شهریار در بیت بعد مشام جان را، با عطر یاد سالار شهیدان حسین بن علی (ع) چنین می‌نوازد:

به جز از علی که آرد پسری ابوالعجائب  
که عَلم کند به عالم شهدای کربلا را

سپس با اشاره به پاکبازی و وفا به عهد سرور پرهیزکاران دو عالم، علی مرتضی چنین می‌سراید:

چو به دوست عهد بندد ز میان پاکبازان  
چو علی که می‌تواند که به سر برد وفا را

پاکبازی و وفاداری علی (ع) به پیامبر اکرم (ص) مصداق های بی شماری در تاریخ اسلام دارد: نخستین ایمان آورنده مرد بودن (مجلسی، ۲۱۱/۳۸؛ شیخ صدوق، ۲۰۵)؛ در بستر پیامبر خوابیدن و به آغوش خطر مرگ رفتن (بقره، ۲۰۷)؛ در غزوات مختلف از جمله خیبر، شیر بیشه شجاعت و مظهر وفا بودن؛ و نهایتاً به خاطر حفظ دین خدا و پاسداری از ثمرات رسالت پیامبر ختمی مرتبت (ص) و حفظ کیان اسلامی، ۲۵ سال سکوت کردن با خاری در چشم و استخوانی در گلو (نهج البلاغه، خطبه ۳).

در شجاعت علی (ع) همین بس که در حدیثی از امام حسین (ع) نقل است که فرمود: هیچ پرچمی به جنگ امیرالمؤمنین (ع) نمی آمد جز اینکه خدا سرنگونش می ساخت و افرادش شکست خورده و با خواری برمی گشتند. امیرالمؤمنین (ع) شمشیر ذوالفقارش را به کسی نزد که نجات یافته باشد و هر گاه امیرالمؤمنین (ع) می جنگید جبرئیل سمت راستش، میکائیل سمت چپ آن حضرت و ملک الموت برابزش بودند (شیخ صدوق، ۵۱۳).

شیخ صدوق در امالی بعد از بیان ماجرای فتح قلعه خیبر از راوی نقل می‌کند که وقتی حضرت علی (ع) به قلعه غموص نزدیک شد یهودیان او را با تبر و سنگ می‌زدند ولی او همچنان پیش می‌رفت؛ وقتی به در قلعه رسید از اسب پیاده شده با دست خود درب خیبر را از جا کند و ۴۰ ذراع به پشت سر خود پرتاب کرد. ابن عمر گوید ما از پیروزی علی تعجب نکردیم؛ تعجب ما از این بود که چطور درب قلعه را یک تنه از جا کند با اینکه ۴۰ مرد هم نمی توانستند آن را جابجا کنند. پیامبر از راز آن پرده برداشت و فرمود به خدا قسم که ۴۰ فرشته در کندن درب به او کمک کردند (همان، ۵۱۴).

شهریار در بیت بعد با توجه به فرمایش پیامبر اکرم (ص) که: **لَا فَتِي إِلَّا عَلِيٌّ لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفِقَارِ**

(مجلسی، ۴۱ / ۱۰۱): جوانمردی چون علی و شمشیری چون ذوالفقار وجود ندارد، علی (ع) را پائین تر از خدا اما بالاتر از بشر عادی می‌نامد:

نه خدا توانمش خواند، نه بشر توانمش گفت متحیرم چه نامم شه ملک لا فتی را

این بیت برگرفته از این فرمایش پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌باشد که فرمودند: *أَنَّ الرِّيَاضَ أَقْلَامَ وَالْبَحْرَ مِدَادًا، وَالْجَنُّ حِسَابٌ وَالْإِنْسُ كِتَابٌ، مَا أَحْصَوْا فَضَائِلَ عَلِيِّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ (همان، ۳۸ / ۱۹۸).*

ترجمه: اگر درختان قلم و دریاها مرکب و جنیان حسابگر و آدمیان نویسنده باشند، نمی‌توانند فضایل علی بن ابی طالب (ع) را شمارش کنند.

در دو بیت بعد، استاد به زیبایی تمام از نسیم رحمت، درخواست خاک کوی امام را می‌کند تا آن را توتیای چشم خود سازد و پیام‌های ارادتمندانه خود را که به سوز دل آغشته است با باد صبا، رهسپار خاک پای امام می‌نماید:

به دو چشم خون فشانم هله‌ای نسیم رحمت که ز کوی او غباری به من آر، توتیا را به امید آن که شاید برسد به خاک پایت چه پیام‌ها سپردم همه سوز دل، صبا را

در بیت بعد، استاد شهریار امام را قضاگردان و بلاگردان می‌خواند و دعای مستمندان را مستجاب می‌داند:

چو تویی قضای گردان، به دعای مستمندان که ز جان ما بگردان ره آفت قضا را

بیت فوق نیم‌نگاهی است به حدیثی قدسی از امام رضا (ع)، از پدران و آنها از پیامبر (ص) و ایشان از جبرئیل و او از میکائیل و او از اسرافیل، که خداوند فرمود:

"منم خدایی که جز من معبودی نیست؛ مخلوقات را با قدرت خود آفریدم؛ از بین آنها پیامبرانی را برگزیدم و از میان پیامبران نیز محمد (ص) را به عنوان حبیب و خلیل و صفی انتخاب کردم؛ آنگاه او را به سوی مردم فرستادم و علی را به عنوان برادر و وصی و وزیر او قرار دادم تا بعد از محمد، پیام رسان او به مردم و جانشین من باشد و قرآن مرا برای آنها بیان نماید و حکم مرا در میان آنها اجرا کند.

من علی را به عنوان نشانه و پرچمی هدایتگر از گمراهی قرار دادم؛ او دری است که مردم از آن در آیند؛ او خانه من است که هر که داخل آن شود از آتش دوزخ من در امان باشد؛ او دژ محکم من است که هر کس بدان پناه برد، از بدی دنیا و آخرت محفوظ بماند.

او وجه من است که هر کس به او رو کند، از او رو برنگردانم؛ او حجّت من در آسمان‌ها و زمین است؛ تنها عمل کسانی را می‌پذیرم که به ولایت علی و رسالت احمد پیامبرم اقرار کنند؛ او دست‌گشاده من بر بندگان است؛ او نعمتی است که به هر یک از بندگانم که دوست داشتم دادم؛ پس هر کس از بندگانم را که دوست داشتم، دوستی و شناخت علی را نصیب او کردم و هر کدام از بندگانم را که دشمن دارم، به خاطر این است که از دوستی و شناخت علی روگردان است.

به عزّت و جلال خودم سوگند خورده‌ام که هر کس علی را دوست بدارد، او را از دوزخ دور سازم و وارد بهشت نمایم، و هر کس او را دشمن بدارد و از ولایتش روی برگرداند، من با او دشمنی نموده و او را داخل دوزخ نمایم که آنجا بد سرانجامی است" (شیخ صدوق، ۲۲۲).

استاد شهریار در سه بیت آخر شعر کم‌نظیر خود، ضمن اشاره به سوز و گداز همیشگی خود نسبت به مولایش و شوق دائم خود به سرآیدن درباره مولای متقیان (ع)، آن را به بیتی بی‌نظیر از لسان الغیب، خواجه حافظ شیرازی، که همواره او را مرشد و استاد خود می‌خواند و شیفته اش بود، مزین ساخته، شعر خود به مولا را نیم

دل خود به دوست نامیده و آن را به زیبایی تمام به " نوای مرغ یا حق " که در "دل شب" می خواند شبیه می سازد:

چه زخم چونای هر دم، ز نوای شوق او دم  
 " همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی  
 که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوا را  
 به پیام آشنایی بنوازد آشنا را  
 (حافظ، ۵) "

غم دل به دوست گفتن چه خوش است شهریار!

ز نوای مرغ یا حق بشنو که در دل شب

شعر فوق انصافاً قدرت کم نظیر استاد شهریار را در بیان مضامین اعتقادی در قالب شیواترین اشعار نشان می دهد.

حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی (ره) در شأن و عظمت این شعر می فرمایند:

" شبی توسل پیدا کردم تا یکی از اولیای الهی را در خواب ببینم، آن شب در عالم خواب دیدم در یکی از زاویه های مسجد کوفه نشسته ام و امیر مؤمنان حضرت علی (ع) با جمعی حضور دارند. ناگهان آن حضرت فرمودند: شعرای اهل بیت ما را بیاورید. چند نفر از شعرای عرب را آوردند. حضرت فرمودند: شعرای فارسی زبان را بیاورید. آن گاه محتشم کاشانی و چند تن شعرای فارسی زبان آمدند..... سپس حضرت علی (ع) فرمودند: شهریار را بیاورید. شهریار آمد. حضرت به ایشان فرمودند: شعرت را بخوان. شهریار شعری با این مطلع خواند:

علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را که به ماسوا فکندی همه سایه خدا را  
 وقتی شعر شهریار تمام شد ؛ چون من شهریار را ندیده بودم فردای آن روز از اطرافیان پرسیدم که شهریار کیست؟ گفتند: شاعری است که در تبریز زندگی می کند.  
 حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی (ره) استاد شهریار را فرا می خوانند و

می پرسند: شعر «علی ای همای رحمت» را کی گفته اید؟ شهریار با تعجب جواب می دهد: شما از کجا خبر دارید که من این شعر را گفته ام؟ من این شعر را نه به کسی داده ام نه درباره آن با کسی سخن گفته ام.

چون حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی (ره) جریان خوابشان را توضیح می دهند شهریار بسیار منقلب می شود. وقتی تاریخ سرودن شعر را می گوید، معلوم می شود در همان شبی که شهریار این شعر را سروده است، حضرت آیت الله العظمی نجفی مرعشی نیز در خواب آن واقعه را می بیند "(آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۵۰).

## ۲ - شعر "عید غدیر مولای متقیان"

در دیوان استاد شهریار، شعری با عنوان «عید غدیر مولای متقیان» وجود دارد. شهریار در این شعر مکنونات قلبی خود را که ملهم از اعتقادات اسلامی است بیان نموده که ابیات آن، گاه به صراحت و گاه به تلویح، باز ریشه در کلام خداوند و احادیث و روایات دارد و در این مجال به آن ابیات اشاره می شود:

چه جای سر اگر سرور نباشد      نجنبد دست و پا تا سر نباشد  
 خدا راهی گشود و هرگز نیست      که رهرو باشد و رهبر نباشد

خداوند در قرآن مجید می فرماید: هیچ قومی بدون رهبر و پیشوا و به حال خود رها گذاشته نشد، تا اتمام حجّتی باشد بر آنان که گمراهی خود را متوجه عدم وجود رهبر نمایند. رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ لئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ (نساء، ۱۶۵).

همچنین امام علی(ع) در این مورد می فرمایند: بَعَثَ اللَّهُ رُسُلَهُ بِمَا خَصَّهُمْ بِهِ مِنْ وَحْيِهِ، وَ جَعَلَهُمْ حُجَّةً لَهُ عَلَى خَلْقِهِ لئَلَّا تَجِبَ الْحُجَّةُ لَهُمْ بِتَرْكِ الْإِعْذَارِ إِلَيْهِمْ، فَدَعَاهُمْ بِلِسَانِ الصِّدْقِ إِلَى سَبِيلِ الْحَقِّ (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۴).

ترجمه: خدا پیامبرانش را برانگیخت و وحی خود را خاصاً ایشان فرمود؛ آنان را حجت خود بر آفریدگانش نمود تا برای مردمان جای عذری نماند؛ پس، به زبانی راست، آنان را به راه حق خواند.

در بیت بعدی، استاد شهریار کلام خدا را شرایبی می‌نامد که جویندگان حقیقت را سیراب می‌سازد و تنها امام همام را ساقی کوثر می‌نامد که این شراب را به کام پیروان می‌ریزد:

شراب عاشقان در ساغرش ریخت که جز با ساقی کوثر نباشد

این نکات همه برگرفته از حدیث نبوی است که می‌فرماید:..... یا أَبَاحَسَنِ! وَ أَنْتَ صَاحِبُ حَوْضِي وَ الْمُؤَقِّي بِذِمَّتِي وَ الْمُؤَدِّي عَنِّي دِينِي (شیخ صدوق، ۱۱۳).

همچنین در حدیثی، از امام حسین (ع) منقول است که آن حضرت از پدر بزرگوارش امیرالمؤمنین علی (ع) نقل می‌کنند که فرمود: پیامبر خدا (ص) به من فرمود: أَنْتَ صَاحِبِي عَلَى الْحَوْضِ غَدًا وَ أَنْتَ صَاحِبِي فِي الْمَقَامِ الْمَحْمُودِ، وَ أَنْتَ صَاحِبُ لِي وَ فِي الْآخِرَةِ كَمَا أَنْتَ صَاحِبُ لِي فِي الدُّنْيَا. لَقَدْ سَعِدَ مَنْ تَوَلَّكَ وَ شَقِيَ مَنْ عَادَاكَ وَ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَقْرَبُ إِلَى اللَّهِ تَقَدُّسُ ذِكْرَهُ بِمَحَبَّتِكَ وَ وِلَايَتِكَ (همان، ۳۳۲).

ترجمه: ای علی! تو در روز رستاخیز، بر سر حوض کوثر، همراه من و در مقام محمود پیش من هستی؛ تو در روز آخرت پرچمدار من خواهی بود، آن سان که در دنیا پرچمدار من هستی؛ به طور حتم سعادت مند گشت کسی که با تو دوستی کند، و بدبخت شد آنکه با تو دشمنی ورزد. فرشتگان آسمان با دوستی و ولایت تو به خدا تقرب می‌جویند.

بیت بعد، جام شهادت را شایان مخلصانی می‌داند که از هر شائبه‌ای به دورند:

اگر سر می‌کشی جام شهادت خمار دیگری در سر نباشد

این بیت نیز نگاهی دارد به دعای امام علی (ع) هنگام درخواست شهادت (صحیفه علویه، ص ۳۲۹) و همچنین به جمله عاشقانه آن حضرت به دنبال ضربت خوردن در

محراب عبادت که فرمودند: فُزْتُ وَ رَبُّ الْكَعْبَةِ؛ و نیز به اخلاص کامل امام در لحظه لحظه‌ی عمر مبارکشان، که نمونه‌ای از آن را مولوی، شاعر گرانقدر، با اشاره به پیروزی مولا بر عمرو ابن عبدود در جنگ خندق، آب دهان انداختن عمرو بر رخ امام، تامل امام در هلاک ساختن او پس از این حرکت و دلیل امام برای آن تامل را به زیبایی تمام به رشته‌ی نظم در آورده است:

از علی آموز اخلاص عمل شیر حق را دان منزله از دغل

.....

گفت من تیغ از پی حق می‌زنم بنده‌ی حقم نه مامور تنم

### ۳ - شعر "ولای امیر"

استاد شهریار در شعر دیگری با عنوان «ولای امیر» خود را از لحظه‌ای که به دنیا آمده، پروانه‌ای دانسته که آرزویش مردن در پای شمع وجود مولا بوده است:

پروانه ام ای شمع از آن لحظه که زادم آن زد به سر من که به پای تو بمیرم

استاد از شدت عشق و علاقه امیر مؤمنان را عشق جاوید و کعبه عشاق نامیده و به زیبایی خواستار فدیة شدن و ذبح شدن در منای این کعبه شده است:

قربانی کوی توام ای کعبه عشاق بگذار که من هم به منای تو بمیرم

در مروه صفا کن به طلب جان، که بهشت است آن مروه که در وی به صفای تو

بمیرم

پر واضح است این اشعار استاد نیز نشأت گرفته از اعتقادات اسلامی و اشاره به فرمان الهی مبنی بر ذبح حضرت اسماعیل (ع) توسط پدر بزرگوارش حضرت ابراهیم

(ع) (صافات، ۱۰۱) و شعائر حج از جمله مراسم قربانی کردن توسط حجاج، و سعی بین صفا و مروه می‌باشد.

هنر شعری شهریار بار دیگر در این بیت جلوه گر می‌شود:

ای عشق، تو جاویدی و من فدیه ولیکن جاوید نمیرد که به جای تو بمیرم  
استاد، امام را مظهر عشق جاودان نامیده و شدیداً علاقمند است فدایی او شود اما  
به زیبایی و ظرافت بیان می‌کند که چون عشق، جاویدان است و می‌میرد لذا فدایی شدن  
و به جای او مردن معنی ندارد.

در ابیات بعد استاد امام علی (ع) را «طور تجلی» نامیده و خود را بیمار غم عشق  
امام خوانده، درد و درمان، هر دو را در وجود امام خویش می‌داند:

هر جا که شدم از تو همان طور تجلی استای طور تجلی به کجای تو بمیرم؟

بیمار غم عشقم و بهبود نیابم آلا که به درد و به دوی تو بمیرم

«طور تجلی» از واژه های قرآنی است که پشتوانه این بیت از شعر شهریار قرار  
گرفته است: وَ نَادِبْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ قَرْنَاهُ نَجِيًّا (مریم، ۵۴).

ترجمه: و ما موسی را از وادی مقدس طور ندا کردیم و به مقام قرب خود  
برگزیدیم.

بیت دیگری از شعر، تولی و تبری را که از فروع دین هستند مطرح می‌کند:

یک عمر به زندان تولی و تبری ماندم که امیرا، به ولای تو بمیرم

که این ابیات اشاره به احادیث کثیری از پیامبر (ص) دارد که می‌فرمایند:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَحْيِيَ حَيَاتِي وَ يَمُوتَ مَيِّتِي وَ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ الَّتِي وَعَدْتَنِي رَبِّي بِهَا وَ هِيَ  
جَنَّةُ الْخُلْدِ فَلْيَتَوَالِ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ ذُرِّيَّتَهُ مِنْ بَعْدِهِ..... (مجلسی، ۲۳ / ۱۱۰).

ترجمه: کسی که دوست دارد به حیات من زنده و به ممات من بمیرد و وارد  
بهشتی جاودان شود که پروردگارم مرا وعده به آن داده است باید با علی بن ابیطالب و  
اهل بیت دوستی نموده و از او پیروی نماید.

و همچنین:

مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَجْمَعَ اللَّهُ لَهُ الْخَيْرَ كُلَّهُ، فَلْيُتَوَالِ عَلِيًّا بَعْدِي وَ لِيُتَوَالِ أَوْلِيَاءَهُ وَ لِيُعَادِ أَعْدَاءَهُ  
(شیخ صدوق، ۴۷۴).

#### ۴ - شعر "یا علی"

استاد شهریار دو شعر با عنوان «یا علی» در دیوان خود می‌آورد که در یکی از آنها  
امام را جلوه جمال و جلال حق و آیینۀ ابدیت می‌نامد:

ای جلوه جلال و جمال خدا، علی وز هرچه جز خدا به جلالت جدا، علی  
در تو جمالی از ابدیت نموده‌اند ای آبنگینۀ ابدیت نما، علی

تمام این القاب که شهریار به زیبایی تمام به آنها لباس شعر پوشانیده، ریشه در  
احادیث و روایات دارند. در ضمن، اعتقاد به اینکه علی (ع) در رأس جلالت ما سوی  
الله است، در هر کدام از اشعار شهریار خود را به نوعی نشان داده است؛ به عنوان مثال  
در «همای رحمت»: «تو به ماسوی فکندی همه سایه هما را»؛ در ابیات فوق «وز هر  
چه جز خدا به جلالت جدا، علی» و غیره.

استاد شهریار، سرور پرهیزکاران را مظهر العجایب نامیده به «هل اتی» و «لا فی»  
اشاره دارد:



با بیباکی به سرّ و علن نصرت قضاست یا مظهر العجایب یا مرتضی علی فیاض در فضیلت تو گفته «هل اتی» لو لاک در فتوت تو «لافتی» علی

این ابیات اشاره به آیه هل اتی دارند که به اتفاق آراء مفسرین معتبر از جمله طبرسی (مجمع البیان، ۱۰ / ۵۱۳) در مورد اهل بیت پیامبر اکرم (ص) و بذل قوت شبانه شان بر یتیم و فقیر و اسیر نازل شده است. " وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَي حُبِّهِ مَسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ اَسِيرًا. اِنَّمَا نَطْعَمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا " (دهر، ۹-۸). بنا بر روایات عامه و خاصه، وقتی حسنین (ع) مریض شدند حضرت علی (ع) به امر پیامبر (ص) نذر کرد که آنان شفا بیابند و امام سه روز روزه بدارند. حضرت فاطمه و حسنین (ع) و فضا هم همین نذر را کردند. چون شفا یافتند، همه روزه گرفتند. شب اول فقیری، شب دوم یتیمی و شب سوم اسیری به در خانه آمد و غذا خواست. امام علی (ع) نان جوینی که برای افطار به قرض مهیا کرده بودند هر سه شب به سائلان دادند. حضرت فاطمه (ع) و بقیه نیز به امام اقتدا کردند روز چهارم حسنین از ضعف روزه بی تاب شدند که مانده بهشتی واصل و این آیات در شان آنان نازل گردید.

ابیات فوق همچنین به فرمایش پیامبر اکرم (ص) مبنی بر «لَا فِتْنِي إِلَّا عَلِيٌّ لَا سَيْفَ إِلَّا دُوَالْفَقَارِ» اشاره دارند که قبلاً ذکر آن گذشت.

در بیته دیگر، شهریار علی (ع) را جام خضر و چشمه آب بقا می نامد: ظلمات شد میان تو و تشنگان حجاب ای جام خضر و چشمه آب بقا، علی این بیت احتمالاً اشاره ای است به فرازهایی از مناجات شعبانیه از زبان امیرالمؤمنین مولا علی

(ع): اِلٰهِي هَبْ لِي كَمَالَ الْاِنْقِطَاعِ اِلَيْكَ وَ اَبْرَ اَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا اِلَيْكَ حَتَّى تَحْرُقَ اَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجْبَ النُّورِ فَتَصِلَ اِلَى مَعْدِنِ الْعِظْمَةِ.... (مفاتیح الجنان)

ترجمه: بار الها! مرا انقطاع کامل به سوی خود عنایت فرما و دیده های دل ما را به نوری که به آن نور، تو را مشاهده کنند روشن ساز، تا دیده بصیرت ما حجاب های نور را دریده و به نور معدن عظمت واصل گردد.

در پایان شعر، استاد انتظار خود به ظهور حضرت مهدی موعود (عج) و امید خود به شفاعت مولا را چنین بیان می دارد:

ما پیشواز مهدی موعودت آمدیم با وعده ظهور ولی کن وفا، علی چشمم به سوی سر در دارالشفای توست شهادت شفاعتی که بیابم شفا علی

این ابیات نیز بیانگر انتظار فرج و امید شفاعت مولای متقیان (ع)، اصل واضح اعتقادی شیعه، با مستندات بیشماری است از جمله:... فَيَقُولُ اللَّهُ: يَا عَلِيُّ اِضْمَنْ لِحُصْمَائِهِ تَعْوِيضَهُمْ عَنْ ظَلَامَاتِهِمْ قَبْلَهُ، فَيَضْمَنْ لَهُمْ عَلِيُّ (ع) ذَلِكَ وَ يَقُولُ لَهُمْ: اِقْتَرِحُوا عَلِيَّ مَا شِئْتُمْ اَعْطِكُمْ عَوْضًا مِنْ ظَلَامَاتِكُمْ قَبْلَهُ فَيَقُولُونَ: يَا اَخَا رَسُولِ اللَّهِ تَجْعَلْ لَنَا بَازَاءَ ظَلَامَاتِنَا قَبْلَهُ ثَوَابَ نَفْسٍ مِنْ اَنْفَاسِكَ لَيْلَةَ بَيْتُوتِكَ عَلِيَّ فِرَاشِ مُحَمَّدٍ (ص) فَيَقُولُ عَلِيُّ (ع): قَدْ وَهَبْتُ ذَلِكَ لَكُمْ.... (مجلسی، ۴۷۰/۸).

ترجمه: خداوند می فرماید: ای علی ضمانت کن برای دشمنان و طلبکاران آن فرد گنهکار از شیعیان، در عوض ظلمهایی که وی بر آنان روا داشته است. پس علی (ع) بر آنان ضمانت می کند و خطاب به آن طلبکاران می گوید: هر چه میل دارید پیشنهاد کنید تا من در عوض مظلومه و ستمهایی که آن فرد از شیعیان ما بر شما انجام داده است بر شما عطا کنم. آن طلبکاران گویند: ای برادر رسول خدا (ص) برای ما در مقابل ستمهایی که او بر ما روا داشته، پاداش دمی از نفسهای پاکی که در ليله المیبت بر فراش پیامبر خدا (ص) داشتید، عطا بفرما! پس علی (ع) می فرماید: حتماً این را به شما عطا نمودم!!.....

در شعر دوم که آن هم با عنوان «یا علی» است، شهریار در انواع قالب های ادبی از جمله تشبیه و استعاره به مقام والای انسانی امام پرداخته و امام را دستگیر مستمندان و شیر خدا می نامد:

مستمندم بسته زنجیر و زندان یا علی دست گیر ای دستگیر مستمندان یا علی  
بندی زندان روباهانم ای شیر خدا می جوم زنجیر زندان را به دندان یا علی

اینکه مولا یاریگر مستمندان و ضعیفان بوده و شیر خدا لقب گرفته است در منابع اسلامی مورد تأکید فراوان است و همچنانکه قبلاً ذکر شد، آیه: **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ** (مائده، ۵۵) در وصف مولا است.

سپس شهریار باز به جمله تاریخی پیامبر اکرم (ص): **«لَا فَتِي إِلَّا عَلِيٌّ لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ»** بر می گردد:

قلعه بی کو قایل (لا سیف الا ذوالفقار) قلدران می بیند و غدا ره بندان یا علی

و بالاخره شعر را با آرزوی شفاعت مولا و درمان توسط دارالشفای حضرت به پایان می برد:

دردمندی روسیاهم با شفاعت مستحق ای درت دارالشفای دردمندان یا علی

استاد شهریار در بیتی دیگر به صبر حضرت ایوب (ع) و زندان یوسف (ع) اشاره می کند که:

من نه ایوبم، ولی صبرم به محنت بیش از اوستم نه یوسف، لیک زندان دو چندان یا علی که این بیت نیز اشاره است به سرگذشت این دو پیامبر خدا در کلام الله مجید، از جمله آیه: **«قَالَ رَبِّ السَّجْنِ احْبَبِ الي مِمَّا يَدْعُونِي اليه»** (یوسف، ۳۳)

ترجمه: خدایا! مرا رنج زندان خوش تر از این کار زشتی است که زنان از من تقاضا دارند.

و آیه **«أَنَا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ»** (ص، ۴۳)

ترجمه: ما ایوب را بنده صابری یافتیم، چه نیکو بنده ای بود که دائم رجوع و توجهش به درگاه ما بود.

## ۵ - شعر "شب و علی"

شعر «شب و علی» در دیوان استاد شهریار نمونه دیگری از ارادت خاص، عشق و شیفتگی شهریار به مولا است. شعر چنین آغاز می شود:

علی آن شیر خدا شاه عرب الفتی داشته با این دل شب

شب ز اسرار علی آگاه است دل شب محرم سرالله است

و چنین ادامه می یابد:

فجر تا سینه آفاق شکافت چشم بیدار علی خفته نیافت

منابع زیادی در مورد مناجات های شبانه و توصیه به نماز شب و تهجد وجود دارد. تاریکی و خلوت شب محرم اسرار الهی تلقی شده، و مناجات های شبانه علی (ع) و اینکه علی (ع) قهرمان تهجد و شب زنده داری بوده است در منابع بسیاری به صراحت یا به تلویح ذکر شده است (اسراء، ۷۹؛ مزمل، ۲ و نهج البلاغه، خطبه ۸۳) سپس استاد به قناعت و سخت گیری امام بر خود استناد می کند:

روزه داری که به مهر اسحار بشکند نان جوین افطار

استفاده امام از نان جو به خاطر این بود که بسیاری از امت اسلام در عصر امام قدرت خرید نان گندم را نداشته و نان جو می‌خوردند، لذا امام می‌خواستند مانند آنان باشند تا هیچ کس سطح زندگی خود را پائین تر از امام خود نبیند. رسیدگی امام به نیازمندان نیز در اشعار شهریار منعکس است:

ناشناسی که به تاریکی شب می‌برد شام یتیمان عرب  
پادشاهی که به شب برقع پوش می‌کشد بار گدایان بر دوش  
و بیتی دیگر:  
عشقبازی که هم آغوش خطر خفت در خوابگاه پیغمبر

که اشاره دارد به آیه "وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ" (بقره، ۲۰۷).

ترجمه: از میان مردمان کسانی هستند (امام علی (ع)) که از جان خود در راه رضای خدا درگذرند و خدا دوستدار چنین بندگان است. هنگامی که علی (ع) در شب هجرت پیامبر (ص) (لیلة المبيت) در بستر آن حضرت آرمید تا خطرها را به جان بخرد و وجود نازنین پیامبر (ص) را از خطر محفوظ دارد (مجلسی، ۳۶/ ۴۳).

آن دم صبح قیامت تأثیر  
دست در دامن مولا زد در  
شال شه واشد و دامن بگرو  
شال می‌بست و ندایی مبهم  
پیشوایی که ز شوق دیدار  
حلقه در، شد از او دامنگیر  
که علی بگذر و از ما مگذر  
زینبش دست به دامن که مرو  
که کمر بند شهادت محکم  
می‌کند قاتل خود را بیدار

این ابیات اشاره دارد به صبح روزی که امام برای ادای نماز صبح عازم مسجد کوفه شده و در محراب عبادت به شهادت رسیدند.

و در مورد جوانمردی امام (ع):

می زند پس، لب او کاسه شیر می‌کند چشم اشارت به اسیر  
چه اسیری که همان قاتل اوست تو خدایی مگر ای دشمن دوست  
در جهانی همه شور و همه شر ها علی بشر کیف بشر

این ابیات اشاره دارند به شگفتی شهریار از اینکه امام علی چگونه بشری است که شیر را نمی‌خورد تا اول آن را به قاتل او بدهند تا بنوشد!!

همچنین در ابیات آخر:

کفن از گریه غسال خجل پیرهن از رخ وصال خجل

که وصله های پیراهن علی (ع) مظهر قناعت و عدالت و جوانمردی او می‌باشد؛ و بالاخره شعر با ترنم عشق عظیم شهریار به امام (ع) پایان می‌پذیرد که:  
شبروان مست ولای تو علی جان عالم به فدای تو علی

## ۶- شعر "مقام ولایت"

«مقام ولایت» عنوان شعری است در دیوان اشعار (همان، ۱۰۵۸) که در آن استاد، اعتقاد خود را به ولایت به صریح ترین صورت ممکن بیان می‌دارد:

ز دل به عرش خدا راهها گشوده ولی خدا بُن همه در باب انبیا بسته است

چنانچه قرآن مسلمانان را فرمان می‌دهد که پیامبر را اسوه و الگوی خود قرار دهند: **لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ** (احزاب، ۲۱). و امام علی (ع) در نامه ای به فرزندشان امام حسن (ع) می‌فرماید: **وَ اعْلَمْ يَا بُنَيَّ أَنَّ أَحَدًا لَمْ يُبَيِّ عَنِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ كَمَا أَنْبَأَ عَنْهُ الرَّسُولُ (ص) فَارْضَ بِهِ رَائِدًا وَ إِلَيَّ التَّجَاةَ قَائِدًا** (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

ترجمه: پسر من! بدان هیچ کس بدانگونه که پیامبر(ص) از خدا خبر داده، از وی خبر نیاورده است؛ بنابراین رهبری او را بپذیر و در راه نجات و رستگاری، او را رهبر و پیشوای خود برگزین.

امام در جائی دیگر در فلسفه بعثت رسول خدا (ص) می‌فرماید: **فَبَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ الْه بِالْحَقِّ لِيُخْرِجَ عِبَادَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ إِلَى عِبَادَتِهِ وَ مَنْ طَاعَهُ الشَّيْطَانَ إِلَى طَاعَتِهِ.....** (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷).

ترجمه: پس خداوند، حضرت محمد (ص) را به حق برانگیخت تا بندگان را از پرستش بتان برون آرد و به عبادت او درآورد و از پیروی شیطان برهاند.

استاد شهریار در بیت دوم از شعر «مقام ولایت» چنین می‌سراید:

نبی به سوی خود از ما، تمام درها رابجز دری که گشاید به اوصیا بسته است  
پیامبر، راه رسیدن به خود را که راه رسیدن به خداست از طریق ائمه و اوصیا معرفی می‌نماید، چنانچه علی (ع) را رهبر مردم بعد از خود قرار داده و می‌فرماید:  
**يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَ لِيُّ النَّاسِ مِنْ بَعْدِي فَمَنْ أَطَاعَكَ فَقَدْ أَطَاعَنِي وَ مَنْ عَصَاكَ فَقَدْ عَصَانِي** (مفید، ۱۱۳؛ مجلسی، ۴۱۳)؛ و همچنین حدیث منزلت که پیامبر (ص) می‌فرماید: **" أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزَلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي "** (مجلسی، ۴۰ / ۱۰).

وصی وسیله هر اتصال با خود را به اولاد و اولیا پیوند داده است.

در واقع، حضرت پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) همچون زنجیر به هم پیوسته ای هستند که با نبود یک حلقه، زنجیر هدایت از هم گسسته و انسان در ضلالت افتاده و

نهایتاً در قعر آتش جهنم جای می‌گیرد. به همین جهت است که پیامبر (ص) می‌فرماید:  
**مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النَّجَاةِ وَ يَسْتَمْسِكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَ يَعْتَصِمَ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ، فَلْيُؤَالَ عَلِيًّا بَعْدِي، وَ لِيُعَادِ عَدُوَّهُ وَ لِيَأْتِمَ بِالْأَيْمَةِ الْهُدَاةِ مِنْ وُلْدِهِ، فَإِنَّهُمْ خُلَفَائِي وَ أَوْصِيَائِي وَ حُجَجِ اللَّهِ عَلَيَّ الْخَلْقِ بَعْدِي وَ سَادَةِ أُمَّتِي وَ قَادَةَ الْأَتْقِيَاءِ إِلَيَّ الْجَنَّةِ، حَزْبُهُمْ حَزْبِي وَ حَزْبِي حَزْبُ اللَّهِ وَ حَزْبُ أَعْدَائِهِمْ حَزْبُ الشَّيْطَانِ** (شیخ صدوق، ۱۹).

ترجمه: هر کس دوست دارد بر کشتی نجات سوار شود و به حلقه محکم چنگ بزند و به ریسمان الهی در آویزد، باید علی (ع) را دوست بدارد و با دشمن او دشمن باشد، و نیز به امامان از فرزندان او اقتدا کند؛ زیرا آنان، خلیفه و وصی من، و حجت خدا بر مردم و سروران امت من هستند؛ آن‌ها جلودار پرهیزکاران به سوی بهشت هستند؛ حزب آن‌ها، حزب من است و حزب من، حزب خداست و حزب دشمنان آن‌ها، حزب شیطان است.

خدا به روی دل دشمن ذوی القربی در هدایت هر ظلمت و هر ضیا بسته است

در این بیت، استاد شهریار به آیه مودت: **" لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى "** (شوری، ۲۳) تمسک می‌کند و ائمه اطهار (ع) را مصادیق ذوی القربی معرفی کرده و دشمنان و مخالفین آنان را پیروان راه تاریکی و ضلالت می‌داند و می‌گوید: اگرچه دشمنان ائمه بعد از وفات پیامبر (ص) به ظاهر مسلمان بوده و حکومت اسلام را به عهده داشتند اما باطناً راه هدایت و رستگاری بر دل چنین افرادی از جانب خداوند بسته می‌باشد و البته که راه رسیدن به خداوند و چشیدن شربت شهادت و پیوستن به لقاء خداوند جز از راه دل نیست.

در ولایت اگر بسته باشی از سر کبر به روی تو در آلاء کبریا بسته است

شهریار در این بیت نیز، اعتقاد به ولایت ائمه (ع) را طریقه رسیدن به خدا و رستگاری می‌داند و لذا می‌گوید: در کنار نبوت نبی، هر کس پیرو ولایت ولی و وصی او باشد رستگار است و گرنه سرپیچی از آنان جز از روی کبر و غرور و خودخواهی و دلیپرستی نیست، که هر یک بنفسه کافی است انسان را به کفر و ضلالت بکشاند، و این جز بسته شدن در لطف و کرم و رحمانیت خداوندی نیست.

### ۷- شعر "شأن نزول هل اتی"

«شأن نزول هل اتی» دستمایه سرایش شعر دیگری از شهریار در مورد مولا علی (ع) است. استاد در این شعر به آیات شریفه ای که پیامبر اکرم (ص) را صاحب خُلق عظیم دانسته: "انک لعلى خلق عظیم" (قلم، ۶۸) و امر فرموده که با یتیم به قهر و عتاب رفتار نشود: "فاما الیتیم فلا تقهر" (الضحی، ۹۳) اشاره نموده و آل علی (ع) را آل حم نامیده و امام را صاحب شمشیر و لوای توحید دانسته که ایمان هر دو عالم، تسلیم اسلام اوست.

استاد شهریار، آیه شریفه «هل اتی» را در شأن بتول عذراء، و بیت امام را جایگاه هبوط و نزول آیات کریمه معرفی می‌کند. شعر با خطاب امام به سرور بانوان دو عالم چنین آغاز می‌شود:

همسرم فاطمه ای شاه زنان عالم	ای بنای حرم قدس تو را کعبه حریم
دست پرورده سیمرغ رسالت که تراست	قاف حرمت قُرق غیرت قرآن کریم
جلوه خالق اعظم نمایند به خلق	مگر از غرفه آنک لعلى خلق عظیم
طفلی از کوچه ندا داد و (ولانقهر) خواند	نکند کامده باشد به در خانه یتیم
از کجا کاین نه فرستاده حق جبریل است	تا که را آیتی از رحمت رحمن رحیم

بعد از ابیاتی چند، شعر این چنین ادامه می‌یابد:

علی ای صاحب شمشیر و لوای توحید ای به اسلام تو ایمان دو عالم تسلیم

آن یتیم از در این خانه قدم و ان نهاد  
شیرزادان علی شام ندارند امشب  
شام خود، کس نتواند به فقیران دادن  
هل اتی نازل در شأن بتول عذراست  
تا نشد شام عزیزان تو با وی تقدیم  
تا یتیم این همه بی‌شام نخسبد به گلیم  
زهی آن مکتب اسلام که اینش تعلیم  
مرحبا مهبط تنزیل خداوند حکیم  
(شهریار، ۱۱۱۰)

### ۸- شعر "درگه شاه ولایت"

استاد شهریار در شعر دیگری با عنوان «درگه شاه ولایت» این درگاه را برتر از همه دربارها می‌نامد که قدسیان بر صفة والای آن جای دارند؛ استاد خود را همچون سگی ولگرد می‌داند که با گردن کج بر در آن درگاه به امید سهمی ولو ناچیز از خوان گسترده مطبخ قدوسیان ایشان ایستاده و از اینکه احیاناً استخوانی بر سرش بزنند باکی ندارد:

درگه شاه ولایت، آن که زان برتر ندیدم	در همه دربار سلطان نبوت، آستانی
قدسیان بر صفة والای آن درگاه صفوت	روز و شب از مطبخ قدوسیان گسترده خوانی
من سگی ولگردم و استادهام با گردن کج	بو کز آن مطبخ سرا، بر سر زندم استخوانی

(شهریار، ۱۱۲۳)

### ۹- شعر "دست علی به همراه بسیج"

اشعار بعد از انقلاب استاد شهریار نیز همچنان معطر به نام و یاد امام علی (ع) است. برای مثال در شعر «دست علی به همراه بسیج» می‌سراید:

یا علی باز از خدا دستی به همراه بسیج	جاودان کن در جهان این جلوه و جاه بسیج
یا علی خون حسینیت کی رود از یادها	گو ببیند زینب این غوغای خونخواه بسیج
تا علمدارش گشاید پر شاهین بال علم	می‌دهد فرمان حسینیت کو بود شاه بسیج

شهریار در اواخر این شعر می‌آورد:

زعبت و شوق شهادت خرمی انباشته است / حاش لله نیست یک جو، هرگز اکراه بسیج  
کربلا تشنه است و بر سقای خود چشم انتظار / طلعت ماه بنی هاشم بود ماه بسیج

استاد شهریار در این شعر، یاد تاریخ صدر اسلام، پیامبر اکرم (ص)، مولای متقیان (ع)، اباعبدالله الحسین (ع)، ابوالفضل العباس (ع) و کربلا و همه را زنده می‌کند و نهایت ارادت خود را به بسیج که پیرو راه حسین است با زیبایی و لطافت تمام بیان می‌دارد (شهریار، ۱۱۷۶).

همچنین بخشی از دیوان استاد شهریار، اقتباس و ترجمه از دیوان حضرت امیر (ع) است که بررسی آن نیازمند مقاله ای دیگر است.

## ۱۰- شعر "هدیه عید غدیر"

« هدیه عید غدیر » نام شعری بسیار زیباست که استاد آن را با خطاب «علی یا انسان کامل» سروده و مطلع آن چنین است:

یا علی نام تو بردم نه غمی ماند و نه همی

بابی انت و امی

گویا هیچ نه همی به دلم بوده نه غمی

بابی انت و امی

حق اگر جلوه با وجه اتم کرده در انسان

کآن نه سهل است و نه آسان

به خود حق که تو آن جلوه با وجه اتمی

با بی انت و امی

و شعر با همان ترجیع بند «بابی انت و امی» به معنی: «پدر و مادرم فدای تو باد»

به پایان می‌رسد (شهریار، ۱۲۱۰).

## ۱۱- شعر "تقریظی به کتاب الغدير"

استاد شهریار شعری با عنوان «تقریظی به کتاب الغدير» تألیف علامه امینی دارند. شهریار در این شعر از زحمات علامه امینی در تألیف الغدير تجلیل نموده و ایشان را فاتح فتح الفتوح می‌نامد که رایت اسلام را به عرش کوبیده است:

مولف «الغدير» فاتح فتح الفتوح / رایت اسلام کو به عرش بر کوبدا

لا قلم الّا «امین» لا رقم الا «غدير» / مأجور است آنکه این سگه به زر کوبدا

منطقش از «هل اتی» بازویش از «لافتی» / گو که علی پنجه بر کتف عُمر کوبدا

(شهریار، ۱۳۲۱/۲)

ناگفته نماند که علامه امینی در مجموعه بی نظیر الغدير، کلیه اسناد و روایات واقعه تاریخی غدیر را از منابع موجود در ایران و چندین کشور جهان از جمله ترکیه، پاکستان، هند، مصر، عراق و.... جمع نموده‌اند. شهریار در این شعر خود خواسته است از این خدمت بزرگ علامه امینی به جهان تشیع، به سهم خود تجلیل نماید.

۱۲ - استاد شهریار شعر دیگری در مورد مولای متقیان (ع) سروده‌اند که محتوای آن اقتباسی از سخنان جرج جرداق، نویسنده مسیحی در مورد امام علی (ع) است. این نویسنده در کتاب «صوت العدالة الانسانیة» امام علی (ع) را فریاد عدالت انسانی نامیده و آرزو می‌کند ای کاش در هر قرن یک علی به دنیا می‌آمد.

« ماذا علیک یا دنیا لو خشدت قواک فاعطیت فی کل زمن علیاً بعقله و قلبه و لسانه و ذی فقاره ».

ترجمه: ای روزگار! تو را چه می‌شد اگر تمام نیروهای خود را بسیج می‌کردی و در هر عصر و زمانی، بزرگمردی به نام علی را بدان عقل، بدان قلب، بدان زبان و بدان شمشیر، به انسانیت عطا می‌کردی (جعفری، ۱ / ۱۷۷).

شهریار با اقتباس از این سخن جرداق چنین می‌سراید:

چه بودی اگر هر زمان چون علی / یلی زادی از مادر ای روزگار

ستون امانی چنان مستقیم  
مواظ همان گونه آرام بخش  
همان گونه از ظلم بنیاد کن  
به کف کریمش همان ذوالفقار  
کماندار پیکان پروردگار  
برآوردی از جان دشمن دمار  
(شهریار، ۱۰۹۸)

استاد شهریار در مورد مولا علی (ع) از دریچه چشم مخالفین نیز چنین می‌سراید:  
گواه فضل تو آن به که دشمنان باشند مثل  
یکمی به گفته «شبل الشمیل» بد زندیبین  
علی است نسخه فردی که شرق و غرب جهان دگر  
خوشست و به مصداق خوشتری هم وصل  
که گفته به وصف علی خطابی فصل  
ندید سوادى از او مطابق اصل  
(شهریار، ۱۰۹۸)

این شعر اشاره به این سخن شبلی الشمیل است که: **الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَظِيمُ الْعُظَمَاءِ نُسخَةٌ مُفْرَدَةٌ.**

**ترجمه:** امام علی بزرگ بزرگان است. او یک نسخه منحصر به فرد در جهان می‌باشد.

(جعفری، ۱/ ۱۷۱).

### ۱۳- لحظه رحلت

استاد سید محمد حسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار که در سال ۱۲۸۵ در تبریز چشم به جهان گشود، در روز شنبه ۲۶ شهریور ۱۳۶۷ به سرای جاودان شتافت. استاد در آخرین روزهای عمر خود به اطرافیانش گفت: بیش از هشتاد سال زندگی کرده‌ام. آثار و اولادی دارم که آنها باقیات صالحات من هستند. تمایل من چنین است

که بعد از مرگم، اگر در تهران خواستند مرا مدفون سازند در جوار مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم به خاک بسپارند و اگر در موطنم، آذربایجان خواستند دفن کنند یا در دامنه کوه «حیدر بابا» و یا در مقبره الشعراى تبریز مدفونم سازند.

(<http://www.hawzah.net>)

استاد در آخرین لحظه های حیات نیز در حالی که این ابیات از شعر «یا علی» را زمزمه می‌کردند جان به جان آفرین سپردند:

ای جلوه جلال و جمال خدا، علی  
در تو جمالی از ابدیت نموده اند  
ای مظهر جمال و جلال خدا علی  
از شهریار پیر زمین گیر، دست گیر  
وز هر چه جز خدا به جلالت جدا علی  
ای آبگینه ابدیت نما علی  
یا مظهرالعجایب و یا مرتضی علی  
ای دست گیر مردم بی دست و پا علی  
(شهریار، ۱/ ۴۰۷)

## فهرست منابع:

- امینی نجفی، عبدالحسین احمد، الغدير في الكتاب و السنه و الادب، تهران، موسسه دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲ هـ ق.
- جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.
- حافظ شیرازی، محمد، دیوان خواجه شمس الدین، انتشارات فخر رازی، چاپ پنجم، ۱۳۷۱.
- دشتی، محمد، نهج البلاغه حضرت علی (ع)، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (ع)، چاپ دوم، تابستان ۱۳۸۴.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه علی اکبر دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- سما هیجی، عبدالله بن صالح، الصحیفه العلویه، همراه با ترجمه رسول محلاتی، قم، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ۱۳۸۳.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالماثور، قم، منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی، ۱۴۰۴.
- شهریار، محمد حسین، دیوان شهریار، تهران، موسسه انتشارات نگاه، ۱۳۷۷، ویرایش ۲.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، امالی شیخ صدوق، به قلم آیه الله کمره ای، تهران، کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، قم، کتابخانه آیه العظمی مرعشی نجفی، ۱۴۰۳.

طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تاویل آی القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق.

فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵ ق.

مرعشی نجفی، سید شهاب الدین، ضمیمه وصیت نامه الهی - اخلاقی آیه الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، قم، نشر کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی.

مفید، شیخ محمد بن نعمان، امالی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۶۴.

16 <http://www.hawzah.net>  
Imam Ali in Shahriar's poems

Islamic belief is highlighted in Shahriar's poems. Shahriar, as the highest ranking contemporary poet in Iran, shows a surprising deep knowledge of Islamic studies in his poems both before Islamic revolution and after that. In fact, it seems that some of his poems are representations of some verses of holy Koran, or some narratives of Prophet Mohammad (peace be upon him) or Imams (peace be upon them). Also, it is obvious from his poems that Shahriar really fell in love with Prophet Mohammad and his grand household. Meanwhile, Shahriar's many outstanding poems about Imam Ali (p. b. u. h.) tell us that there was a special place for the first Imam of Shia in his heart.

Key words: Shahriar, Islamic belief, Prophet Mohammad, Imams, Imam Ali